نامه‌های سبز

گاهی وقت‌ها فکر می‌کنیم دلمان برای حرف‌های شما تنگ می‌شود. گاهی وقت‌ها هم دلمان می‌خواهد برایتان حرف بزنیم. حرف‌هایی نه از جنس مقاله و قطعه ادبی و شعر بلکه حرف‌هایی خودمانی به قول بچه‌ها حرف‌های دلی. این صفحه را باز می‌کنیم تا برای ما نامه بنویسید و ما را هم در هوای شرجی دلهایتان زیر باران واژه‌های قشنگ صفا دهید.

خانم نرگس بخشی همراه خوب دیدارآشنا نامه رسان این صفحه است که امیدواریم مثل قلم آیینه‌ای‌شان بتوانند زلالی حرف‌های شما را به ما برسانند.

دیدارآشنا

«نامه‌ای سرگشا به همهٔ دوستان خوبم»

به همهٔ دوستی‌های قشنگ عالم قسم، اوّلش با یک نگاه یا سلامی خالصانه شروع می‌شود، نگاه که میسّر نیست پس سلام، از تهِ تهِ دلم.

از راهی که نمی‌دانم دور بگویم یا نزدیک، می‌خواهم با تو نجوا کنم به تویی که می‌شناسمت، شناختی بیش‌تر از شناخت‌های ظاهری که اگر غیر از این بود همان بهتر که بگویم به تویی که نمی‌شناسمت. تو را می‌شناسم چرا که عین خودم هستی، شاید تنها فرقمان در «ترین‌ها» باشد. یکی سفید و یکی سفیدترین، یکی زیبا و یکی زیباترین، یکی خوب و یکی خوب‌ترین...

خوب به نظر تو فرقی هم می‌کند؟

می‌خواهم با تو ای آشنای ندیده روزگاری را سپری کنم، می‌خواهم بشنوی و پاسخ بگویی و چون فاصله یک قانون است و قانون هم استثناناپذیر، مجبوریم گفته‌هامان را لای کاغذ پیچیده، بهر دیدار هم روانه کنیم وعدهٔ دیدار، دیدارآشنا

رنگ احساستان سبز سبز سبز

نرگس بخشی